یادداشت

دکتر یدالله جوانی

ترامپ کوچک در لاس‌وگاس

یک‌شنبه شب نهم مهر ماه در لاس‌وگاس امریکا، سمفونی مرگ بزرگ‌ترین حادثه خونبار در تاریخ امریکا را رقم زد. تیراندازی یک امریکایی از طبقه ۳۲ هتل مشرف بر محل اجرای فستیوال موسیقی، یک شب پر از وحشت را برای هزاران امریکایی دیگر رقم زد. در این حادثه خونین به گفته مقامات محلی، حدود ۶۰ نفر کشته و بیش از ۵۰۰ نفر زخمی شدند. انتشار اخبار مربوط به این حادثه، توجه بسیاری از جامعه‌شناسان و تحلیل گران مسائل سیاسی و اجتماعی را به خود جلب کرد. همه به دنبال ماهیت این حادثه، هویت تیرانداز، اهداف و انگیزه‌های او بودند. گرچه گروهک تروریستی داعش با فرصت‌طلبی، عامل تیراندازی را از نیروهای خود معرفی کرد، لکن پلیس فدرال امریکا اعلام کرده است که عامل حمله لاس‌وگاس ارتباطی با گروه‌های تروریستی بین‌المللی نداشته است. به گزارش پلیس، مقامات محلی و رسانه‌های امریکا، «استیفن پادوک» ۶۴ ساله و بزرگ شده «سان وله» در کالیفرنیای امریکا، عامل این حمله خونبار است. برادر قاتل شهروندان امریکایی، برادرش را یک میلیاردر معرفی کرده و می‌گوید، او در بخش املاک و مستغلات سرمایه‌گذاری داشت و در لاس‌وگاس برای قماربازی به هتل‌ها رفت و آمد می‌کرد. «پادوک» میلیاردر، ضمن داشتن مجوز پرواز با هواپیماهای کوچک، خود صاحب دو هواپیما بود.

پخش تصاویر این حمله خونبار از رسانه‌ها، بسیاری از امریکایی‌ها را وحشت‌زده و نگران ساخت؛ چراکه امریکایی‌ها از این پس احتمال تکرار سمفونی مرگ را در هر نقطه دیگری از امریکا می‌دهند.

حادثه تلخ و خونین لاس‌وگاس، ترامپ و همسرش را برای عیادت از زخمی‌ها و همدردی با خانواده مقتولین، به این شهر توریستی و محل زندگی بازنشستگان و اهل عیش و نوش کشاند. ترامپ پس از دیدار با آسیب‌دیدگان، آن حادثه را خیلی غم‌انگیز دانست و گفت: «ما تاوان احترام گذاشتن‌های خود را پس می‌دهیم. مقام‌های پلیس اطلاعات زیادی از «پادوک» عامل این تیراندازی کسب کرده‌اند و اطلاعات بیشتر در زمان مقتضی اعلام خواهد شد.»

اما واقعیت این داستان و قصه خونبار را، از زاویه‌ای دیگر نیز می‌توان مورد توجه و بررسی قرار داد. حادثه‌ای که در نهم مهر در شهر لاس‌وگاس امریکا پدید آمد و بسیاری از امریکایی‌ها را به وحشت انداخت، شبیه حوادث فراوان و گوناگونی است که در دهه‌های اخیر و خصوصاً یک دهه گذشته در کشورهای غرب آسیا رخ داده است. حوادث خونبار و وحشتناکی که عامل اصلی آن یک امریکایی است. آری، حادثه مرگبار لاس‌وگاس را یک امریکایی با شباهت‌های بسیار با رئیس‌جمهور این کشور رقم زد. در واقع آقای «پادوک»، یک «ترامپ» کوچک در لاس‌وگاس بود. اگر آقای ترامپ به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده و همانند اسلاف خود در کاخ سفید، ملت‌های بی‌گناه را در گوشه و کنار جهان به خاک و خون می‌کشد، اکنون فردی شبیه او از خود امریکا، در لاس‌وگاس سمفونی مرگ را به اجرا در آورد. این حادثه رخ داد تا امریکایی‌ها به خود آیند و لحظاتی را در اطراف حوادث خونباری که ترامپ بزرگ در جهان پدید می‌آورد، اندیشه کنند. امریکایی‌هایی که با حادثه لاس‌وگاس به وحشت افتادند و گریان شدند، باید بدانند آن صحنه‌های وحشتناکی که قاتل بی‌رحم در حین اجرای یک فستیوال موسیقی پدید آورد، هر روز و هر شب در بخش‌هایی از جهان از سوی رئیس‌جمهور بی‌رحمشان رقم می‌خورد. آیا ماهیت لشکرکشی‌های امریکا به عراق و افغانستان، بمباران‌های گوناگون هواپیماهای امریکایی در دهه‌های گذشته، شلیک موشک از روی ناو امریکایی در خلیج فارس به هواپیمای مسافربری ایرباس، و صدها مورد مشابه دیگر که امریکایی‌ها در آن حوادث عامل قتل‌ها، وحشت‌آفرینی‌ها و جنایات بودند، با ماهیت حادثه لاس‌وگاس تفاوت دارد؟ تنها تفاوت میان حادثه لاس‌وگاس و دیگر حوادثی که مواردی از آن بر شمرده شد، در محل وقوع حادثه است. عامل تیراندازی لاس‌وگاس، یک امریکایی میلیاردر قمارباز است که در خاک امریکا آن حادثه خونین را رقم زد، اما عامل جنایت‌های خونین دیگر، یک امریکایی قدرتمندتر است که در دیگر نقاط جهان آدم‌کشی می‌کند و حمام‌های خون به راه می‌اندازد. در سال‌های گذشته، چندین تجمع انسانی و از جمله مراسم‌های عروسی، با بمباران هواپیماهای بدون سرنشین امریکایی در افغانستان، پاکستان، عراق و سوریه، به خاک و خون کشیده شد.

این جنایات خونین اخیر را ترامپ و امثال ترامپ مانند اوباما و جورج بوش رقم زده و می‌زنند و آن حادثه را در لاس‌وگاس یک ترامپ کوچک به نام «استیفن پادوک» رقم زد. آقای ترامپ در پی حادثه لاس‌وگاس از عامل حادثه به عنوان یک «شیطان» یاد کرد و گفت، باید بدانند، ملت‌های مظلوم و زخم خورده به دست امریکایی‌ها همین احساس را نسبت به امریکا دارند و با همین احساس به دنبال بیرون کردن امریکایی‌ها از کشورهای خود هستند و عنوان «شیطان بزرگ» را که حضرت امام خمینی (ره) برای امریکا برگزیدند، به خاطر همین خصلت‌های ضد انسانی و رفتارهای ضد بشری دولتمردان امریکا در جهان است. امریکایی‌ها باید بدانند همان حس تنفری را که پس از حادثه لاس‌وگاس نسبت به عامل تیراندازی پیدا کردند، همین حس را ملت‌های مظلوم و ملت ایران نسبت به رئیس‌جمهور و دولت امریکا دارند. شعار «مرگ بر امریکا» از چنین حسی سرچشمه می‌گیرد.

خبر آخر

پرسش دبیرکل حزب مؤتلفه از رئیس فراکسیون امید

حقوق ۵۷ میلیونی یک اصلاح طلب فساد نیست؟

اینکه یک اصلاح‌طلب در ماه ۵۷ میلیون تومان حقوق بگیرد و از مبالغ کلان وام کم بهره و پاداش‌های میلیونی دریافت کند، فساد نیست؟

به گزارش فارس، محمدنبی حبیبی دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی در پایان نشست دبیران این حزب، با اشاره به اظهارات اخیر محمد رضا عارف که گفته بود، مخالفان اصلاحات نتوانسته‌اند به اصلاح‌طلبان برچسب فساد اقتصادی بزنند، تصریح کرد: آیا فساد چند هزار میلیارد تومانی در صندوق ذخیره فرهنگیان، حقوق‌های نجومی، رشوه‌های شهرام جزایری به برخی نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس و فساد برخی مقامات دولت اصلاحات فساد محسوب نمی‌شود؟ دبیرکل حزب مؤتلفه اسلامی تأکید کرد: اینکه یک اصلاح‌طلب در ماه ۵۷ میلیون تومان حقوق بگیرد و از مبالغ کلان وام کم بهره و پاداش‌های میلیونی دریافت کند، فساد نیست؟ اینکه بخواهند همه چیز را انکار کنند نوعی اهانت به شعور سیاسی و فهم مردم است!

دبیرکل حزب مؤتلفه در ادامه دروغ‌پردازی علیه رئیس قوه قضائیه را نشانه پایداری و مقاومت آیت‌الله لاریجانی در برابر مفسدان اقتصادی و فتنه‌گران دانست و گفت: استکبار جهانی با شایعه‌سازی نمی‌تواند جاسوسان امریکایی را آزاد کند. وی افزود: امریکایی‌ها چند جاسوس دستگیر شده در تهران دارند و اخیراً در نطق ترامپ در سازمان ملل به آن اشاره شد. استکبار جهانی با شایعه‌سازی کذب علیه رئیس قوه قضائیه نمی‌تواند جاسوسان امریکایی را آزاد کند، خائنینی هم که از کشور فرار کردند و در بوق‌های استکباری کار می‌کنند نمی‌توانند فضا را در کشور آلوده کنند و به مقاصد خود برسند.

حبیبی تصریح کرد: البته دفاع از رئیس قوه قضائیه در این مورد خاص به معنای تأیید بی چون و چرای آنچه در قوه قضائیه می‌گذرد نیست؛ امروز اصلاح برخی امور در قوه قضائیه ضروری است و مدیریت ویژه رئیس دستگاه قضایی و همکاران تراز اول وی و بدنه قوه قضائیه را می‌طلبد. بیان اشکالات موجود هم به معنای زیر سؤال بردن همه افراد در قوه قضائیه نیست.

خبر یک

ولایتی: امریکایی‌ها به نقش سپاه در منطقه واقفند

عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام با اشاره به نقش سپاه در منطقه و دفاع از کشور گفت: همانطور که امام خمینی (ره) فرمودند اگر سپاه نبود کشور نبود.

به گزارش مهر، دکتر علی اکبر ولایتی در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوالی مبنی بر تشدید تحریم‌ها علیه ایران گفت: امریکایی‌ها از ابتدای انقلاب تاکنون از هر گونه دشمنی علیه جمهوری اسلامی ایران خودداری نکردند. سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران براساس قانون اساسی حافظان انقلاب و حدود و ثغور جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هستند و وظیفه بسیار سنگینی بر عهده دارند. وی افزود: سپاه یک نهاد مقدسی است که برخاسته از متن مردم است و عملاً تاکنون خطرات زیادی از جمهوری اسلامی ایران با دفاع هوشمندانه‌ای که سپاه پاسداران داشته، رفع کرده‌اند. دشمنان ما هم به خصوص امریکایی‌ها و صهیونیست‌ها می‌دانند که نقش سپاه چقدر حساس است. هم در دفاع از کشور و هم نظام جمهوری اسلامی ایران و هم در حمایت از دوستان جمهوری اسلامی ایران در منطقه که عمدتاً حول محور مقاومت هستند. عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام ادامه داد: اگر کمک‌های آموزشی و تعلیمی سپاه در سوریه و عراق نبود، حکومت‌های کنونی عراق و سوریه که برخاسته از رأی مردم هستند ساقط می‌شد و جای آن عوامل امریکا مانند داعش در بغداد و دمشق حاکم می‌شدند؛ بنابراین نقش سپاه پاسداران در حفاظت از جمهوری اسلامی ایران و انقلاب اسلامی ایران و آرمان‌های اسلامی بسیار برجسته است. برای همین دشمنان ما روی سپاه پاسداران تکیه می‌کنند ولی همانطور که امام خمینی (ره) فرمودند اگر سپاه نبود کشور هم نبود.

گزارش یک

رحیم زیادعلی

محمود رحیمی | مهر

۲ هزار کیلومتر عقب بروید!

فرمانده کل سپاه: اگر قانون تحریم‌های جدید امریکا اجرا شود، این کشور باید پایگاه‌های منطقه‌ای خود را تا شعاع ۲ هزار کیلومتری برد موشک‌های ایران منتقل کند و ارتش امریکا برای ما هم سنگ داعش خواهد شد

فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی می‌گوید، در صورتی که اخبار پراکنده موجود در خصوص حماقت دولت امریکا مبنی بر درنظر گرفتن سپاه به عنوان گروه تروریستی صحیح باشد، سپاه نیز ارتش امریکا را در سراسر جهان به‌ویژه منطقه خاورمیانه، هم‌سنگ داعش در نظر خواهد گرفت.

یکسال و اندی پیش دونالد ترامپ گفته بود در صورت پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری، برجام را پاره خواهد کرد و اکنون نیز با سیاست‌هایی که در پیش گرفته اگر نگوییم برجام را پاره کرده، عملاً آن را کاغذ پاره‌ای بی خاصیت کرده است. برخلاف جریان غرب‌باور که همواره کلینتون دموکرات را بر ترامپ جمهوریخواه ترجیح می‌دادند، شواهد نشان می‌دهد دو جریان حاکم بر ایالات متحده امریکا در دشمنی با ملت ایران گوی سبقت را از یکدیگر ربوده‌اند و اختلافات آنها در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران تنها در اتخاذ تاکتیک‌های مقابله است. درست در جریان کارزار انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال ۹۵، دونالد ترامپ سوم فروردین ماه در سخنرانی خود در اجلاس سالانه کمیته روابط عمومی امریکا و اسرائیل (آیپک) اعلام کرد اولویت نخست کاری‌اش پس از پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری امریکا، لغو توافق هسته‌ای ایران و پاره کردن برجام خواهد بود. وی تأکید کرد مهم‌ترین اولویتش در کاخ سفید برچیدن توافق هسته‌ای امریکا با ایران خواهد بود. اما این تنها ترامپ نبود که در اپیک به ایران حمله کرد یک روز پیش نشست آیپک میزبان نامزد دموکرات‌ها نیز بود. هیلاری کلینتون، در سخنرانی خود با اشاره به آزمایش موشکی ایران، خواستار اعمال تحریم‌های بیشتر امریکا علیه این کشور شد و اکنون ترامپ با بی اثر ساختن عملی برجام در مسیری افتاده است که شعار کلینتون دموکرات‌ها بود.

■ **تهدید سپاه پس از نقض برجام**

دو روز پیش روزنامه امریکایی واشنگتن پست به نقل از مقام‌های امریکایی نوشت: ترامپ هفته آینده پایبندی ایران به برجام را تأیید نخواهد کرد تا تصمیم درخصوص سرنوشت برجام را به کنگره واگذار کند. این روزنامه به نقل از مقام‌هایی که پیرامون راهبرد جدید کاخ سفید در قبال ایران از آنها سؤال شده، نوشت که دونالد ترامپ رئیس‌جمهوری امریکا قصد دارد هفته آینده اعلام کند که پایبندی ایران به برجام را تأیید نخواهد کرد. براساس این گزارش، ترامپ به کنگره امریکا اعلام خواهد کرد که این توافق در راستای منافع ملی امریکا نیست تا تصمیم در مورد سرنوشت برجام را به این نهاد واگذار کند. این اقدام نخستین مرحله از فرایندی خواهد بود که احتمال دارد به بازگرداندن بخشی از تحریم‌های امریکا علیه ایران که به واسطه برجام تعلیق شده بود و در نتیجه خروج امریکا از این توافق هسته‌ای بینجامد. در صورت رد پایبندی ایران از سوی دولت ترامپ، کنگره ۶۰ روز فرصت خواهد داشت تا تصمیم نهایی را بگیرد. اما این پایان ماجرا نیست، روز گذشته روزنامه انگلیسی فایننشال تایمز از تصمیم دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا، برای انجام اقدامات جدید علیه ایران خبر داد. این روزنامه مدعی شد، دولت ترامپ به عنوان بخشی از راهبرد جدید خود درباره ایران، احتمالاً سپاه پاسداران را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی خواهد کرد. ترامپ در ابتدای ورود به کاخ سفید نیز خواهان قرار دادن نام سپاه پاسداران در فهرست سازمان‌های تروریستی بود اما با مشورت‌هایی که از سوی مقامات اطلاعاتی و امنیتی امریکا به او داده شد از تصمیم خود صرف‌نظر کرد.

■ **ارتش امریکا را هم‌سنگ داعش تعریف می‌کنیم**

در همین زمینه فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز گذشته با تأکید بر اینکه ایران اجرای قانون کاتسا را معادل خروج یکجانبه امریکا از برجام می‌داند، گفت: از فرصت رفتار احمقانه دولت ترامپ با برجام برای جهش در برنامه‌های دفاعی، موشکی و منطقه‌ای استفاده خواهیم کرد. به گزارش سپاه نیوز، سردار سرلشکر پاسدار محمدعلی جعفری در جلسه شورای راهبردی سپاه که با موضوع تحلیل رفتار دولت ترامپ تشکیل شد، با تشریح اقدامات خصمانه امریکایی‌ها در ماه‌های اخیر علیه ملت ایران و تأکید بر اینکه جمهوری اسلامی اجرای قانون کاتسا را معادل با خروج یکجانبه امریکا از برجام می‌داند، گفت: همانطور که در گذشته نیز اعلام کرده‌ایم، در صورتی که قانون تحریم‌های جدید امریکا اجرا شود این کشور باید پایگاه‌های منطقه‌ای خود را تا شعاع ۲ هزار کیلومتری برد موشک‌های ایران منتقل کند. وی افزود: در صورتی که اخبار پراکنده موجود در خصوص حماقت دولت امریکا مبنی بر درنظر گرفتن سپاه به عنوان گروه تروریستی صحیح باشد، سپاه نیز ارتش امریکا را در سراسر جهان به‌ویژه منطقه خاورمیانه، هم‌سنگ داعش در نظر خواهد گرفت. سرلشکر جعفری با بیان اینکه اگر امریکایی‌ها هدف نهایی خود از طرح اینگونه مسائل را مذاکره با ایران درباره منطقه قرار داده‌اند، مسیری کاملاً اشتباه را انتخاب کرده‌اند، تصریح کرد: جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد مسائل منطقه را در جایی غیر از میز مذاکره حل کند، نه حرفی برای مذاکره وجود دارد و نه طرفی برای آن. وی در ارزیابی رفتار امریکایی‌ها، با تأکید بر اینکه تحریم‌های جدید امریکا شانس هرگونه تعامل را برای همیشه از بین خواهد برد، گفت: این تحریم‌ها تجربه برجام را برای ما کامل می‌کند و آن تجربه این است که گفت و گو برای امریکا ابزار فشار و دشمنی است نه تعامل یا حل مسئله. فرمانده کل سپاه در پایان با تأکید بر اینکه رفتار امریکا با ایران ثابت کرد که نمی‌توانیم روابط خارجی خود را صرفاً براساس برجام تنظیم کنیم، تصریح کرد: امریکایی‌ها بدانند، جمهوری اسلامی ایران از فرصت رفتار احمقانه دولت ترامپ با برجام برای ایجاد جهش در برنامه‌های موشکی، منطقه‌ای و دفاعی متعارف خود استفاده خواهد کرد.

نمای نزدیک

■ **طرح کاتسا چیست؟**

کاتسا قانون مقابله با دشمنان امریکا از طریق تحریم است که بر اساس آن ایران، کره شمالی و روسیه هدف قرار گرفته شده است.

بامداد چهارشنبه چهارم مرداد ۱۳۹۶، مجلس نمایندگان امریکا با ۴۱۹ رأی موافق و تنها سه رأی مخالف، طرح تحریم‌های ایران، روسیه و کره شمالی را تصویب کرد. این طرح نسخه اصلاح شده طرحی بود که ۲۷ خرداد ۹۶، در سنای امریکا به بهانه آنچه مقابله با اقدامات ثبات زدای ایران نامیده می‌شد، با ۹۸ رأی به تصویب رسیده بود. این طرح که به سبب گستردگی دایره شمول، «تحریم‌های مادر» نام گرفت و با عنوان «کاتسا» نیز شناخته می‌شود، به جهت برخورداری از بار مالی حتماً باید مورد تأیید مجلس نمایندگان امریکا نیز قرار می‌گرفت؛ سرانجام مجلس نمایندگان با هدف افزودن بندهای مربوط به تحریم کره شمالی، طرح تازه‌ای را در این رابطه تصویب کرد که البته این طرح باید در سنا نیز به تصویب برسد و پس از آن با امضای رئیس‌جمهور امریکا به قانون تبدیل شود. عمده تمرکز طرح تحریمی و ضدبرجامی اخیر هیئت حاکمه امریکا که به «کاتسا» معروف شده است، روی توان دفاعی و تسلیحاتی جمهوری اسلامی و ضربه زدن به نیروهای مسلح ما معطوف شده است؛ طبق این طرح اشخاص دخیل در برنامه موشکی بالستیک ایران و کسانی که با آنها داد و ستد دارند، مورد تحریم قرار می‌گیرند. همچنین مطابق با طرح مزبور، مسئولان سپاه پاسداران و مرتبطین آنها نیز با ادعای واهی و مضحک حمایت از تروریسم در لیست تحریم قرار می‌گیرند! آنچه در این طرح قابل تامل است آن است که طبق بندی از آن، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یک سازمان تروریستی قلمداد می‌شود! این طرح رئیس‌جمهور امریکا را ملزم می‌کند به فاصله حداکثر ۹۰ روز بعد از اجرایی شدن آن، تحریم‌هایی را علیه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و اشخاصی که در زمره مقامات، پرسنل یا وابستگان این سازمان هستند، اعمال کند. مقامات و مسئولان کشورمان در همان روز ۲۷ خرداد که سنای امریکا طرح اولیه این تحریم‌ها را به تصویب رساند، نسبت به آن واکنش نشان دادند و آن را مغایر با روح و متن برجام قلمداد کردند.

ویژه

■ **تخطئه روشنفکرانه عاشورا به بهانه جامعه‌شناسی!**

ایام محرم که مردم ایران به عزاداری برای امام حسین و اهلبیت ایشان علیهم‌السلام مشغول هستند، برخی در فرصت پیش آمده، شروع به تخریب اعتقاد مردم به عاشورا می‌کنند. سایت عصر ایران در روزهای اخیر با انتشار مصاحبه‌ای از یک جامعه‌شناس تلاش کرده تا نامش به عنوان تخریب کنندگان عاشورا ثبت شود. این سایت خبری در مصاحبه‌ای با یک جامعه‌شناس و از قول او به تخطئه عزاداری محرم می‌پردازد.

در این مصاحبه ناصر فکوهی می‌گوید: «کشورهای سنی مذهب از ما به این دلیل بهترند که اصلاً عزا ندارند. مناسبت‌های ملی هم باید غیرایدئولوژیک شود. یکی از مشکلاتی که امروز مناسبت‌های ملی در ایران دارند این است که مناسبت‌های ملی بسیار ایدئولوژیک هستند.» او در بخشی دیگر از مصاحبه هم عزاداری را باعث انفعال می‌داند و می‌گوید: «سیستم عزا به هر حال سیستمی انفعالی است. یعنی در سیستم سوگواری افراد منفعل می‌شوند، در خودشان می‌روند و کمتر حرکت می‌کنند...» این در حالی است که اساس عاشورا و عزاداری بر مبنای امر به معروف، حرکت بر مدار ظلم ستیزی و قیام در برابر ظالم است و چگونه تعمیق چنین مفاهیمی می‌تواند به انفعال و حرکت کمتر منجر شود؟! قیام بزرگ مردم ایران در دهه ۴۰ و ۵۰ که منجر به رقم خوردن انقلاب اسلامی سال ۵۷ شد و بزرگ‌ترین حرکت اجتماعی سیاسی مردم ایران بود، از اساس بر مبنای عاشورا رقم خورد و از روز عاشورا هم آغاز شد.

باید دید شادی‌های مدنظر این جامعه‌شناس منجر به کدام حرکت اجتماعی شده است! به نظر می‌رسد فضای رسانه در دولت یازدهم و دوازدهم رها شده و تنها ملاک برخورد با رسانه‌ها نوع نگاه آنها به دولت است و تنها با رسانه‌هایی برخورد می‌شود که از دولت انتقاد کنند؛ وگرنه تخطئه عزاداری امام حسین علیه السلام نیز برایشان مهم نیست.

■ **رقم نجومی، حق گشت و گذار در فرانسه صحت دارد؟**

سفر تابستانی برخی نمایندگان مجلس به فرانسه و انتشار عکس‌های گشت و گذار در موزه لوور پاریس انتقاداتی را بین فعالان فضای مجازی موجب شده بود. حالا ماجرا بدتر هم شده و سردبیر آفتاب یزد خبر از یک حق مأموریت نجومی برای این سفر داده است. نمایندگان البته این ادعای آفتاب یزد را تکذیب کرده‌اند و به انتقاد از آفتاب یزد پرداخته‌اند. علیرضا کریمی، سردبیر روزنامه اصلاح طلب آفتاب یزد در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «مازنی به خبرنگارم گفته بابت سفر به فرانسه ۶۰ میلیون حق مأموریت گرفتم.» طیبه سیاوشی، از نمایندگان حاضر در سفر فرانسه گفته که «امکان ندارد؛ به رئیس‌جمهوری هم چنین حق مأموریتی نمی‌دهند که به ما بدهند. ۶۰ میلیون تومان بابت ۶ روز! این از قول آقای مازنی نبوده و خواسته‌اند در حق آقای مازنی جفا کنند. روزنامه آفتاب یزد یکی به نعل می‌زند و یکی به میخ. سفری که ما رفتیم حاوی یک پیام بسیار مهم برای سران اتحادیه اروپا بود و دیدارهای متعددی هم داشتیم و من نمی‌دانم چرا ارزش یک مسئله را تا این حد تنزل می‌دهند.» محمدعلی وکیلی از اعضای حاضر در این سفر هم واکنش جالبی به ادعای سردبیر روزنامه آفتاب نشان داد. او گفته که «شما بپرسید ۶۰ هزار تومان به ما حق مأموریت داده شده است؟!» احمد مازنی تاکنون در خصوص ادعای سردبیر روزنامه آفتاب یزد سکوت کرده است.

■ **تغییر محل مجمع تشخیص هم شد هاشمی‌زدایی؟!**

روزنامه آرمان در مطلبی با یک موضع‌گیری عجیب، تغییر مکان مجمع تشخیص مصلحت نظام را تلویحاً در راستای آنچه هاشمی‌زدایی می‌خوانند، تعبیر کرد و با تیتر «... این بار خداحافظی با دفتر آیت‌الله هاشمی» نوشت: «باز هم آیت‌الله هاشمی و باز هم خداحافظی با آنچه نام او را دارد. این بار باید با دفتر آیت‌الله هاشمی در مجمع تشخیص مصلحت نظام خداحافظی کرد... ۳۱ مرداد ۹۶ بود که دبیر مجمع تشخیص مصلحت نظام گفت: «قرار است جلسات مجمع از این محل جابه‌جا شود که محل قطعی و نهایی بعداً به رسانه‌ها اطلاع داده خواهد شد، اما کاخ مرمر به‌دلیل آنکه تاکنون جلسات مجمع در آن برگزار می‌شد حفظ می‌شود.»

با توجه به اینکه بحث تغییر محل برگزاری جلسات مجمع تشخیص مصلحت نظام سال‌هاست مطرح می‌شود، بنابراین عده‌ای با تردید به اظهارات محسن رضایی نگاه می‌کنند. ماه‌های پس از فوت هاشمی رفسنجانی هر نوع تغییر در نهادهای مرتبط با سمت‌های مرحوم هاشمی از سوی اصلاح‌طلبان هاشمی‌زدایی تعبیر شد و حالا در یک توهم عجیب، تغییر محل مجمع تشخیص را هم خداحافظی با هاشمی می‌دانند!

یادداشت

محمد اسماعیلی

بازی با برگ سوخته «احساس رضایت از برجام»

۱-در شرایطی که نشانه‌های مستندی مبنی بر اعلام عدم پایبندی ایران به برجام توسط ترامپ با اتمام مهلت ۹۰ روزه (مأموریت ترامپ به وزارت امور خارجه برای بیان موارد نقض برجام از سوی ایران) و ارجاع تصمیم‌گیری در باب توافق هسته‌ای به کنگره وجود دارد، دولتمردان کشورمان هنوز نتوانسته‌اند با مجموعه اقدامات و موضع‌گیری هماهنگ، در جهت منافع فرا هسته‌ای کشورمان گام بردارند.

پرسش اصلی این است، در حالی که دولت ترامپ تهدید به خروج این کشور از توافق هسته‌ای و تحریم‌های جدیدی علیه ایران کرده و احتمالاً عدم پایبندی کشورمان به برجام را رسماً اعلام و تهدیدات و گستاخی علیه ایران را مکررا بیان می‌کند، آیا دولت دوازدهم تنها باید «از اجرای برجام احساس رضایت کند» و در این زمینه فقط «به هشدار به امریکایی‌ها اکتفا کند»؟

ایالات متحده امریکا به بهانه اجرای مفاد برجام و قطعنامه ۲۲۳۱ تلاش می‌کند عناوین اتهامی جدیدی علیه ایران طرح و همراه با تکرار این مسئله که ایران روح توافق هسته‌ای را نقض کرده، زمینه وضع تحریم‌های جدید هسته‌ای و غیرهسته‌ای را علیه کشورمان مقدمه‌سازی کرده و ایران را به شرایط ماقبل از برجام بازگرداند.

بازگشایی پرونده موسوم به pmd، استمرار پروژه ایران هراسی، افزایش تحریم‌های ضدایرانی و معرفی کردن ایران به عنوان تهدیدی برای امنیت و صلح بین‌المللی از جمله اهداف حاضر دولت ترامپ است که در عباراتی مانند: «ایران بازیگری بد در منطقه است و به کره شمالی کمک مالی می‌کند، خواهید دید که ما درباره ایران چه خواهیم کرد (ترامپ)»، «انتظار داشتیم که برجام باعث ثبات منطقه شود ولی نشد (تیلرسون)» و «اقدامات ایران ثبات‌زدا است و... ایران روح برجام را نقض کرده است (سخنگوی سیاست خارجه امریکا)» قابل رویت است.

۲- حال در مقابل سخنان هدفمند امریکایی‌ها، موضع‌گیری دولتمردان دوازدهم فاقد وصف «آینده نگری بر پایه منافع ملی کشورمان» است؛ به گونه‌ای که روحانی: «منافع ما از برجام غیرقابل بازگشت و ۱۰ ترامپ هم نمی‌تواند مانع این منافع شود»، و محمدجواد ظریف: «اظهارات رئیس‌جمهور امریکا به صلح و امنیت منطقه کمک نمی‌کند و به منافع طولانی مدت امریکا ضربه وارد می‌کند... ترامپ و دوستانش، برخی سیاست‌ها را دنبال می‌کنند که جز ضرر برای خودشان و امریکا و منطقه چیزی نخواهد داشت.»

۳-ویژگی مهم سخنرانی رئیس‌جمهور کشورمان همانند سایر سخنرانی‌های ایشان «احساس و ابراز رضایت از برجام» است، ویژگی‌ای که نه تنها می‌تواند حیات نباتی برجام را به معنای مطلق به خطر اندازد، بلکه منجر به افزایش تحریم‌های ایرانی توسط امریکایی‌ها نیز شود، چرا که تصور دولت کنونی امریکا این است که «برجام ایده‌آل ایران است» و دولت روحانی تمایل دارد به هر قیمت این توافق را حفظ کند و حاضر نیست در هیچ سطحی به نقض آن توسط امریکایی‌ها پاسخ دهد.

این دست موضع‌گیری‌ها که ویژگی بارز آن «ابراز احساس رضایت از متن و اجرای برجام» به تقویت و پایدارسازی عناصر تشکیل دهنده دستگاه محاسبه سنجی امریکایی‌ها-که از سال ۹۲ شکل گرفته-انجامیده و اعلام عدم پایبندی ایران به توافق هسته‌ای توسط ترامپ را رقم بزند و وضع تحریم‌ها آنی توسط کنگره امریکا را-تام کاتن سناتور امریکایی: بعد از ۶۰ روز، تحریم‌های ایران را بر می‌گردانیم-به همراه بیاورد.

بیان غلوآمیز درباره دستاوردهای برجام طی چهار سال گذشته قابل توجیه بود کما اینکه به موفقیت انتخاباتی دولت در انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم نیز منجر شد، اما باید یادآور شد که احساس رضایت توام با عبارات مبالغه‌آمیز به افزایش تحریم‌ها توسط کنگره خواهد انجامید.

به معنای دیگر زمانی که دولتمردان امریکا از واژگانی نظیر «برجام فاجعه‌آمیز» و «برجام وحشتناک» استفاده می‌کند توقع نیست که دولتمردان کشورمان از مشابه چنین لغاتی -که خودزنی سیاسی در داخل کشور محسوب می‌شود-استفاده کنند بلکه جهت تحت تأثیر قرار دادن باورهای دولتمردان امریکا که دستگاه محاسبه سنجی آنها را شکل داده، حداقل از احساس رضایت خودداری کرده و متعرض نقض برجام به صورت متراکم -برای ایجاد رویه در حقوق بین‌الملل-شود.

کما اینکه گفته‌های تلویحی و هزینه‌زای حمید بعیدی‌نژاد مبنی بر «تمایل ایران برای مذاکره مجدد درباره برجام» تأثیر قابل توجهی بر محاسبات امریکا درباره ایران وجهت «اعمال فشار به ایران جهت وادار کردن به مذاکرات مجدد» داشته است.

۴- تیم مشاوران دولت در حوزه توافق هسته‌ای باید در نظر داشته باشند که برخورد شعاری توأم با ابراز رضایت از اجرای برجام، به احاله تصمیم‌گیری درباب برجام از سوی ترامپ به کنگره منجر خواهد شد، مسئله‌ای که افزایش تحریم‌های گسترده ضدایرانی را به همراه دارد آنهم در شرایطی که ایران در هیچ کدام از مراجع چهارگانه حل و فصل اختلافات نمی‌تواند مانع از چنین اقدامی شده و بر اساس ماده ۳۷ برجام (مکانیسم ماشه) امریکایی‌ها می‌توانند هر گونه تصمیم نظامی، سیاسی و اقتصادی درباره ایران اتخاذ کنند.

۵- محمدجواد ظریف در موضع‌گیری‌های مورد اشاره تلاش می‌کند برای منصرف کردن ایالات متحده از رویکردهای ضدایرانی، به خطر افتادن منافع بین‌المللی امریکایی را گوشزد کرده! آنهم در حالی که دولتمردان ارشد این کشور با عبارات و واژگان بسیار گستاخانه‌ای از فعالیت‌های ایران یاد می‌کنند. همانطور که گفته شد «ابراز احساس رضایت از برجام و اجرای کنونی آن توسط امریکا» و یا «صرفاً یادآوری به خطر افتادن منافع ملی امریکا» نمی‌تواند مانع جدی در مسیر دست یابی غرب به منافع ضد ایرانی ایجاد و از سوی دیگر منافع ملی را حداقل در بعد هسته‌ای و بین‌المللی تقویت کند. این در حالی است که وزیر امور خارجه کشورمان به جای هشدار صرف در باب یادآوری منافع ملی امریکا باید از واکنش جدی و قاطع ایران نسبت به نقض برجام توسط امریکایی‌ها هشدار دهد که از جمله تهدیدهای رفتاری محمدجواد ظریف می‌تواند به قاعده «اصل اعتبار امر مختومه» استناد کند.

اگر چه هنگام انتشار گزارش دوپهلو مشهور به خاتمه PMD، دستگاه سیاست خارجه نسبت به آن اعتراض در خور توجهی نکرد اما امروز وزیر امور خارجه می‌تواند با استناد به اینکه طبق برجام و قوانین بین‌المللی، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی مرجع رسمی و فنی فعالیت‌های هسته‌ای کشورهاست «ابعاد نظامی احتمالی» در پرونده هسته‌ای ایران را «اعتبار امر قضاوت شده» عنوان و سؤال کند چنانچه امریکا مخالف گزارش مورد اشاره بوده چرا در همان زمان نسبت به آن اعتراض نکرده است؟

سرمقاله

کدام دیوار کوتاه‌تر است؟

ادامه از صفحه اول

ممکن نیست روحانی بخواهد اصلاح‌طلبان را در آفساید قرار دهد و هراز گاهی با حمله به این و آن حفظ و انسجام آنان را پشت سر خود ببیند؟ به رئیس جمهور محترم پیشنهاد می‌کنیم اگر احساس دین به اصلاح طلبان (بخش عبور کرده از نظام) می‌کنید، راه و روش دیگری برای جبران پیدا بفرمایید. اگر چه معتقدیم شما در دوران انتخابات حنجره آنان بودید و برای نظام چیزی باقی نگذاشتید و آنان به همین راضی هستند و بعضاً از شما تقدیر کردند. اگر رئیس جمهور محترم فرصتی برای بازخوانی سخنان انتخاباتی خود در ارومیه، اردبیل، زنجان، تبریز، استادیوم شیرودی، مازندران، یزد و... پیدا کند، تصدیق خواهند نمود که کوتاه‌تر از دیوار نظام جمهوری اسلامی دیواری وجود ندارد.

مطمئن هستیم اصلاح‌طلبان درون نظام هم نیاز به «مغلطه درمانی» ندارند و با آب نبات اقناع نمی‌شوند. اما اینکه بخشی از جریانِ «دیوار کوتاه» مدنظر رئیس جمهور تکنیک «تکرار می‌کنم» و اصل انتخابات را بستر، روش و مجرایی برای مبارزه با نظام می‌دانند، نه تقویت آن، خود داستان دیگری است که در فرصتی دیگر بدان می‌پردازیم.